



مرکز تحقیقات شورای نگهبان



گزارش کارشناسی

ماده ۳۰۳ لایحه آیین دادرسی کیفری

کد گزارش: ۹۱۰۰۰۶

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۰۷/۱۰

## شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی

ماده ۳۰۳ لایحه آیین دادرسی کیفری

تهیه کننده: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

ناظر علمی: معاون پژوهشی

شماره گزارش: ۹۱۰۰۰۶

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۰۷/۱۰

## فهرست مطالب

درآمد	۱
اظهار نظر کارشناسی	۱
مستندات	۳
۱- قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳	۴
۲- قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی - مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام	۵
۳- لایحه قانونی مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۲	۶
۴- آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی - مصوب ۷۹/۳/۱۰	۹
۵- قانون مجازات اخلاک‌گراان در نظام اقتصادی کشور - مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹	۱۱
۶- آیین نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب - مصوب ۱۳۵۸/۰۳/۲۷ شورای انقلاب	۱۶
۷- سیاست‌های کلی نظام - بخش قضایی	۱۸
۸- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز	۲۰

## درآمد

ماده (۳۰۳) لایحه آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی؛ محاربه و افساد فی الارض، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام، توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری، تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان گردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است.

ماده مزبور در مقایسه با قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۱، دو مورد را از صلاحیت دادگاه انقلاب خارج نموده است:

- ۱- جرم قاچاق ۲- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.

## اظهار نظر کارشناسی

- ۱- در خصوص حذف دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی از صلاحیت دادگاه انقلاب در ماده (۳۰۳) لازم به ذکر است که تا قبل از سال ۱۳۷۹ دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ خارج از تشکیلات قضایی صالح به رسیدگی بودند ولی در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ مقام معظم رهبری طی دستورالعملی با تأکید بر واگذاری پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ به تشکیلات قضایی مقرر کردند که امر رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ توسط شعبی از

دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تهران و مراکز استان‌ها صورت پذیرفته و قضات دادگاه‌ها نیز با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضائیه منصوب گردند؛ بنابراین حذف مورد «دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی» از صلاحیت دادگاه انقلاب در ماده ۳۰۳ لایحه، مغایر با فرمان حکومتی مقام معظم رهبری و اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی تشخیص داده می‌شود.

۲- با توجه به اینکه قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات بعدی در تبصره ماده ۴۸، انجام تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی (از جمله قاچاق) به صورت تشیکل شبکه و به قصد اخلال در نظام اقتصادی را مشمول رسیدگی در دادگاه انقلاب دانسته و این قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، لذا ماده (۳۰۳) لایحه آیین دادرسی کیفری از این حیث با مصوبه مزبور مجمع مطابقت ندارد.

۳- همچنین این ماده با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در باب تعزیرات حکومتی بخش دولتی مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۷ که در اجرای بند هشتم اصل ۱۱۰ قانون اساسی (معضل) تصویب شده، و بر اساس آن «کلیه امور قضایی تعزیرات حکومتی بخش دولتی به قوه قضائیه (دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی) محول می‌شود»، تناسب ندارد.

# مستندات

## ۱- قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳

قانون تعزیرات حکومتی مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی  
بسم الله الرحمن الرحيم موضوع "تعزیرات حکومتی" در جلسات متعدد مجمع تشخیص  
مصلحت نظام اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و پس از بحث‌های مفصل  
"قانون تعزیرات حکومتی" به شرح زیر در جلسه مورخ ۶۷.۱۲.۲۳ به تصویب نهایی  
رسید:

.....

### فصل ششم - سایر مقررات:

...

ماده ۴۸: در صورتی که تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی به صورت مستمر یا  
مکرر و یا تشکیل شبکه انجام شده باشد متخلفان به اشد تعزیرات تعیین شده در هر یک  
از جرایم ارتكابی و در مرتبه مربوطه محکوم می گردند.  
تبصره: در صورتی که تشکیل شبکه به قصد اخلال در نظام اقتصادی صورت گرفته  
باشد علاوه بر محکومیت به تعزیرات فوق توسط مراجع صدور احکام تعزیرات  
حکومتی، موضوع توسط دادگاه انقلاب پیگیری می شود.

...

۲- قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی - مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۷ مجمع تشخیص

### مصلحت نظام

ماده واحده: به موجب این مصوبه کلیه امور قضایی تعزیرات حکومتی بخش دولتی

به قوه قضاییه (دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی) محول می‌شود.

موضوع "تعزیرات حکومتی بخش دولتی" در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم

قانون اساسی در جلسه روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم آذر ماه یک هزار و سیصد و

شصت و نه مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و به شرح ماده واحده فوق به

تصویب رسید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام



### ۳- لایحه قانونی مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

#### فصل هشتم - محاربه

ماده ۲۷۷- محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود. همچنین است کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود.

ماده ۲۷۸- فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست.

ماده ۲۷۹- راهزنان، سارقان و قاچاقچسانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند.

ماده ۲۸۰- حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است.

۱- اعدام

۲- صلب

۳- قطع دست راست و پای چپ

۴- نفی بلد.

ماده ۲۸۱- انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۰) به اختیار قاضی است.

ماده ۲۸۲- مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند.

ماده ۲۸۳- در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرارگیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد.

### فصل نهم - بغی و افساد فی الارض

ماده ۲۸۴- هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره - هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به

مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند، چنانچه جرم اتکابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

ماده ۲۸۵- گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضاء آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

ماده ۲۸۶- هرگاه اعضاء گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد، به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.

۴- آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی -

مصوب ۷۹/۳/۱۰

مقدمه: این آئین‌نامه در اجرای بند پنجم حکم مورخ ۱۳۷۹/۲/۳ مقام معظم رهبری مدظله‌العالی<sup>۱</sup> (پیوست حکم مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ رئیس قوه قضائیه) مبنی بر تعیین بخشی از مصادیق اموال مربوط به ولی فقیه و اختیارات محاکم رسیدگی کننده بر اساس فرامین و دستورالعمل‌های ابلاغی از ناحیه حضرت امام ره و مقام معظم رهبری و قوانین جاری بعنوان ضوابط لازم الاجراء توسط ستاد نظارت و پیگیری پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ تدوین که پس از تصویب و ابلاغ رئیس قوه قضائیه لازم الاجراء می‌باشد.

### فصل اول - تشکیلات:

ماده ۱- بمنظور رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اموال در اختیار ولی فقیه شعبی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تهران و مراکز استانهای کشور و در صورت لزوم در شهرهای بزرگ با تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین که حدود اختیارات و نحوه عمل آن بشرح مواد آتی می‌باشد.

ماده ۲- هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مسئولیت ارجاع پرونده‌ها بعهد

---

۱ - متأسفانه بعلت محرمانه بودن حکم مزبور، در دسترس نمی‌باشد.

رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی و یا هر یک از قضاتی که ریاست قوه قضائیه تعیین نماید، میباشد. تبصره - دادگاه انقلاب اسلامی ملزم است امکانات لازم و نیازمندیهای این محاکم را تامین نماید.

ماده ۳- شعبی از دیوانعالی کشور بعنوان مرجع تجدیدنظر آراء دادگاهها تعیین میگردند.

تبصره - قضات دادگاهها و دیوانعالی کشور با پیشنهاد ستاد نظارت و پیگیری پرونده های موضوع اصل ۴۹ و ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب خواهند شد.

ماده ۴- اجرای احکام صادره بعهدہ واحد اجرای احکام است و تعیین قضات و نظارت بر واحد اجرای احکام بعهدہ رئیس شعبه اول دادگاه اصل ۴۹ می باشد.

### فصل دوم- صلاحیت:

ماده ۵- صلاحیت دادگاههای مذکور به قرار زیر است:

- ۱) رسیدگی به پرونده های موضوع اموال در اختیار ولی فقیه
- ۲) رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی
- ۳) رسیدگی به دعاوی اشخاص موضوع رای وحدت رویه ۵۸۱ مورخ

۱۳۷۱/۱۲/۲

## هـ-قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور - مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹

ماده ۱ - ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و

مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

الف - اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارزی یا ضرب سکه

قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.

ب - اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر

نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.

ج - اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز

تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاستهای تولیدی کشور شود و امثال آنها.

د - هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی اگرچه به

خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور

در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد.

ه - وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اختلال در نظام اقتصادی شود.

و - اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اختلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و...

تبصره - قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب نماید.

ماده ۲ - هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد

حکم خواهد داد.

دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

تبصره ۱ - در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای ششگانه ماده ۱ حسب مورد عمده یا کلان و یا فراوان نباشد مرتکب به دو سال تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف قانونی به دست آمده باشد به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یاتعاونیها و غیر آنها انجام گیرد فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند بر حسب این که اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این



تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.

تبصره ۳ - مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده یک سال تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اخیر این ماده شش ماه تا دو سال حبس و دویست و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره ۱ این ماده شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

تبصره ۴ - مرتکبین جرائم موضوع این ماده و تبصره‌های ۱ تا ۳ آن و کلیه شرکاء و معاونین هر یک از جرائم مزبور علاوه بر مجازاتهای مقرر حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آنها محکوم خواهند شد.

تبصره ۵ - هیچ یک از مجازاتهای مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

تبصره ۶ - رسیدگی به کلیه جرائم مذکور در این قانون در صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی است و دادسراها و دادگاههای مزبور در مورد جرائم

موضوع ماده ۱ این قانون مکلفند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند.

تبصره ۷ - از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه قوانین مغایر با آن به جز قوانینی

که دارای مجازات شدیدتری از مجازاتهای مقرر در این قانون می‌باشند ملغی است.

قانون فوق مشتمل بر دو ماده و هشت تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ

نوزدهم آذر ماه یک هزار و سیصد و شصت و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در

تاریخ ۱۳۶۹.۹.۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

ع-آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب - مصوب ۱۳۵۸/۰۳/۲۷ شورای انقلاب

الف - دادگاه‌های انقلاب اسلامی و طرز تشکیل آنها

ماده ۱ - به منظور رسیدگی به جرائمی که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی و ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است یا پس از پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران روی داده یا می‌دهد، به دستور رهبر انقلاب اسلامی ایران در مرکز هر استان یک دادرسی‌های انقلاب اسلامی و به تعداد لازم دادگاه تشکیل می‌شود.

تبصره - در استانهایی که هم اکنون بیش از یک دادرسی‌های انقلاب هست، دادستان کل انقلاب باید برای تقلیل آنها به یک دادرسی اقدام کند.

ماده ۲ - رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی است.

۱- قتل و کشتار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به

امریت و مباشرت

۲- حبس و شکنجه مردم مبارز به امریت و مباشرت.

۳- جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال و یا اتلاف ثروت کشور به نفع

بیگانگان

۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات

و جاسوسی به نفع اجانب

۵- سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر.

تبصره - رسیدگی به جرائم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت دادگاه‌های

انقلاب اسلامی نیست، و در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری یا نظامی می‌باشد.

در حوزه هر دادسرای انقلاب اسلامی یک دادگاه انقلاب تشکیل می‌شود. دادگاه در

صورت لزوم شعبه‌های متعدد خواهد داشت و در این صورت ارجاع‌پرونده به سایر

شعبه‌ها با رییس شعبه اول است.

ماده ۳ - دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی به دستور امام تشکیل شده و به

پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل

می‌شود و در این صورت دادگستری کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد.

تبصره - تشخیص ضرورت و عدم ضرورت با رهبر انقلاب امام خمینی است.

...

## ۷-سیاست‌های کلی نظام - بخش قضایی

...

### ۹. سیاست‌های کلی قضائی

۱- اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاست‌های مذکور در بندهای بعدی.

۲- نظام‌مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاه‌ها.

۳- استفاده از تعدد قضات در پرونده‌های مهم.

۴- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز.

۵- تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط براساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات.

۶- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب.

۷- یکسان‌سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی.

۸- اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی در قوه قضائیه بر دستگاه‌های اجرایی و

قضایی و نهادها.

۹- استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی.

۱۰- بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالا

بردن دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمت‌های قضائی.

۱۱- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و

فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی.

۱۲- تأمین نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به

اصل ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی.

۱۳- تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضاوت، وکالت،

کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه بر حسن اجرای آنها.

۱۴- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از

مجازات زندان.

۱۵- تنقیح قوانین قضائی.

۱۶- گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه.

۱۷- گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضائی.

## ۸- سیاستهای کلی نظام در دوره چشم‌انداز

...

### ب: امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی

۹- تضمین حقوق مدنی و انسانی و دسترسی به فرصتهای برابر برای افراد جامعه

و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد

۱۰- توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر با قابلیت‌های مشارکت و

فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری و در حال تغییر

۱۱- حاکمیت بخشیدن رویکرد و مبانی علمی و فنی، تمرکززدایی، شفاف‌سازی و

پاسخگویی بر همه سطوح و فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حوزه‌های

حاکمیت کشور

۱۲- بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت بدنی، رفع فقر و حمایت

از گروه‌های آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی

۱۳- بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه

کشور

۱۴- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل

منطقه‌ای

۱۵- ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور

۱۶- دگرگونی در نظام پرداخت یارانه‌ها و پرداختهای انتقالی دولت و شفاف‌سازی یارانه‌های پنهان در اقتصاد کشور، همراه و همزمان با اجرای سیاستهای جبرانی و تقویت نظامهای جامع تأمین اجتماعی، و حمایت از قشرهای محروم

۱۷- تغییر نقش و اندازه دولت به سطح دولتی سیاست‌گذار، تسهیل‌کننده، کارآفرین و کوچک

۱۸- تأمین حقوق قانونی اقوام و اقلیتها مصرح در قانون اساسی، در چارچوب همگرایی و تقویت وفاق ملی

۱۹- جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی

۲۰- توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح

۲۱- توسعه نظم و امنیت عمومی

۲۲- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی، به‌منظور دستیابی آحاد جامعه به حقوق



۲۳- توسعه قانونگرایی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کار

۲۴- توجه به نیازها و ضرورت‌های جوانان و فراهم کردن شرایط مناسب برای

مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و حمایت از استعداد‌های درخشان

۲۵- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت همگانی، اخلاق و روحیه کار گروهی و

سازگاری رقابت‌پذیری در کلیه روابط اجتماعی و سیاسی





امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نخبگان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از توانمین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)

